

اصول تربیتی حاکم بر دستورالعمل‌های سلوکی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه

جعفر تقی یار رنانی*

چکیده

تربیت، زمینه‌ای برای ایجاد نوعی تحول در متربی است و اهداف، اصول، روش‌ها و دستورالعمل‌ها ارکان آن محسوب می‌شوند. روشن بودن اصول و روش‌ها در فرایند تربیت به مربی و متربی کمک می‌کند. اساتید سیر و سلوک در صدد تربیت عرفانی معنوی شاگردان خود بوده، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های سلوکی آن‌ها نیز همانند هر ساحت و روش تربیتی دیگر بر مبانی و اصولی مبتنی بوده است.

برنامه‌های سلوکی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه در تربیت معنوی شاگردان خود نیز از این قاعده خارج نیست؛ یعنی اصول و قواعدی عام بر آن‌ها حاکم است که شناخت آن‌ها برای مربیان و متربیان، راهنما و راه‌گشا بوده، سبب می‌شود که سایر مربیان و متربیان در الگوگیری و طی مسیر تربیت و جهت‌گیری‌ها با بینش و بصیرت، به دور از انحراف از مسیر آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه رفتار کنند.

در مقاله پیش‌رو کوشیده‌ایم با شیوه کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی، برخی از اصول و قواعد حاکم بر دستورالعمل‌های سلوکی آیت‌الله ناصری را ارائه دهیم. نتیجه این تحقیق این بود که آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه در سیره تربیتی خود از اصول زیادی چون اصل تدریج، تقید به شریعت، استفاده از ظرفیت‌ها و پیشران‌های تربیتی گوناگون و مؤثر، اصل متربی‌محوری و توجه به واقعیت‌های مربوط به متربی و اصل محوریت دادن به امام زمان رحمته‌الله علیه بهره برده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تربیت معنوی، تربیت عرفانی، آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه، اصول تربیت معنوی، اصول تربیتی.

* سطح ۳ مرکز تخصصی اخلاق و تربیت دارالهدی، واحد اصفهان. jtaghiar@gmail.com



مقدمه

هیچ کنش و واکنش انسانی در خلأ قانونی و بدون ضابطه‌ای مشخص آغاز نمی‌شود، و بی‌هدف هم به مطلوب و مقصود خود نمی‌رسد. وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارهای او چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان و تشریح آن نیست. تربیت و به‌ویژه تربیت عرفانی معنوی هم از این قاعده مستثنا نیست. در تربیت عرفانی معنوی نیز برای اثرگذاری بر متربیان و شاگردان باید اصول و قواعدی کلی وجود داشته باشد تا استادان و مربیان امور تربیتی با استفاده از آن بتوانند به موقع و درعین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرند و وظایف تربیتی خود را به صورت منسجم و رضایت بخش انجام دهند. این اصول تربیتی همواره کار مربی را جهت داده و به سمت اهداف مورد نظر سوق می‌دهد و نوعی بینش و آگاهی برای تنظیم کیفیت و کمیت کار به او می‌دهد تا موجب پراکندگی در روش‌ها و دستورالعمل‌ها نگردد. بنابراین اصول، همان قواعد حاکم بر برنامه‌ها و دستورالعمل‌های تربیتی است که به عنوان نقشه و راهنمای عملی در اختیار متولیان تربیتی قرار دارد و مربی با در دست داشتن آن می‌تواند در مواجهه با موقعیت‌های خاص و با توجه به نیازهای روز، به تولید روش‌های تربیتی متناسب اقدام کند. این اصول با توجه به نوع نگاه به هستی و معرفت، ظرفیت‌ها و توانایی‌های تربی بنیان نهاده شده است؛ یعنی اصول تربیتی از متن اعتقادات و مبانی ارزشی مربی نشئت می‌گیرد و هرچه مبانی و باورهای درست‌تر و واقعی‌تر در نظام فکری او پذیرفته شده باشد، ارزش‌های او واقعی‌تر و اصول و قوانین تربیتی برگرفته از آن نیز متقن‌تر و انسان‌سازتر خواهد بود.

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله هم به عنوان مربی و استاد سیروسلوک در شیوه تربیتی و مبانی خود، اصول و قواعدی مانند اصل تدریج، اصل تقید به شریعت، اصل استمداد از ظرفیت‌ها و پیشران‌های تربیتی گوناگون و مؤثر، اصل متربی محوری و واقعیت‌های مربوط به متربی، اصل محوریت امام زمان علیه‌السلام در برنامه‌ها و... را رعایت می‌کردند که ضرورت پرداختن به آن‌ها این است که شناختن این اصول سبب شناخت سیره تربیتی ایشان، الگوبرداری صحیح از این سیره، جهت‌دهی به رفتار تربیتی مربیان و جلوگیری از انحراف در مسیر سلوکی گرفته شده از ایشان می‌شود و بی‌توجهی به این اصول باعث پراکندگی در الگوبرداری و فهم نادرست از سیره سلوکی ایشان و زمینه‌ای برای نگاه ناقص به شیوه تربیتی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله می‌گردد. پس ضروری است که این اصول به علاقه‌مندان این مسیر نورانی معرفی شود.



درباره اصول تربیت دینی یا اخلاقی یا عرفانی معنوی برخی نوشته‌ها به عنوان پیشینه عام وجود داشت که عبارت‌اند از:

۱. مقاله اهداف، اصول و روش‌های تربیت عرفانی، سید محمدرضا موسوی نسب، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، زمستان ۱۳۹۳؛

۲. مقاله تعلیم و تربیت عرفانی، علی اکبر افراسیاب پور، مجله عرفان اسلامی، ۱۳۸۸.

اما پیشینه‌ای خاص برای موضوع مورد نظر یافت نشد؛ از این رو پرداختن به موضوع اصول حاکم بر دستورالعمل‌های آیت‌الله ناصر علیه السلام در سیره تربیتی ایشان، نگاهی جدید می‌باشد.

اصول و قواعد حاکم بر دستورالعمل‌های سلوکی آیت‌الله ناصر علیه السلام

هر عارفی برای تربیت شاگردان سلوکی خود به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و برنامه‌ها متمسک می‌شود و شاگردان خود را به رعایت آن‌ها ملزم می‌کند. همان‌طور که گفته شد در این مسیر سلوکی اصول و قوانینی حاکم است که برنامه‌ها از آن‌ها پیروی می‌کنند. برنامه‌ها و دستورالعمل‌های سلوکی آیت‌الله ناصر علیه السلام در تربیت معنوی شاگردانشان نیز از این مسئله خارج نبوده است که به اجمال به آن‌ها پرداخته می‌شود.

شایان ذکر است که این اصول، از ویژگی‌های دستورالعمل‌های مرحوم آیت‌الله ناصر نیست؛ بلکه بخشی از اصول و قواعدی است که می‌توان از دستورالعمل‌های ایشان فهمید. اصول حاکم بر دستورالعمل‌های سلوکی ایشان عبارت‌اند از:

۱. تقید به شریعت و محوریت دادن به دستورالعمل‌های دینی

از مهمترین اصول حاکم بر دستورات سلوکی آیت‌الله ناصر علیه السلام تقید به شریعت و محوریت دادن به دستورالعمل‌های دینی است.

شخصیت انسان در سایه اعمال و رفتار شکل می‌گیرد و هویت نهایی او تنها به وسیله اعمال رقم می‌خورد. انسان در قالب رفتار خود نمود می‌یابد و از دیگر موجودات به طور واقعی متمایز و از هم‌نوعان خود متشخص می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج: ۱، ۱۴۲)

در قرآن، انجام عمل صالح همواره در کنار ایمان مطرح و مورد تأکید است. در آخرت





هم تنهامعیار ارزیابی انسان، رفتار اوست و همین اعمال، معیار و ملاک درجه بندی‌ها و رتبه بندی‌های انسان در آن عالم است؛ پس همهٔ اعمال در صعود و سقوط انسان و قرب و بعد او از خداوند متعال تأثیر دارد. (فیروزمهر، ۱۳۹۵: ۹۰ تا ۹۲) چون که راه رسیدن به قرب الهی، به طور کلی عبادت و بندگی او معرفی می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵: ۳۴۲) و این بندگی و عبادت با پایبندی به شریعت حاصل می‌گردد.

اموری مانند نماز، روزه و حج که خداوند برای بندگانش تشریح کرده، شریعت نامیده می‌شود؛ پس مقصود از شریعت، فروع دین مانند نماز، روزه، حج، زکات و همهٔ آن چیزهایی است که با عنوان امر و نهی و حلال و حرام از نگاه قرآن و اسلام وجود دارد. اصل تقید به شریعت بیانگر این حقیقت است که در تمام مراحل تربیت اخلاق معنوی باید قرین دستورهای الهی بود. و این انطباق عمل و رفتار بر شریعت، رذایل را از انسان دور می‌کند و به تدریج ملکات نیک را در انسان می‌پرورد. (فیروزمهر، ۱۳۹۵: ۹۸) خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ». (بقره: ۲۱) پس یکی از اصول اصلی سلوک، تأکید تام بر شریعت است. شریعت به معنای عام، شامل شریعت خاص (یعنی احکام)، طریقت و حقیقت، یعنی شامل همهٔ دین می‌شود. (یزدان پناه، جلسه ۳۶۴)

در عرفان و معنویت اصیل، افزون بر پیراسته شدن از رذایل و آراسته شدن به فضایل همانند اخلاق، مناسبات دیگری نیز هست و آن حرکت بر اساس نسبت با خداوند متعال است که از یقظه یا توبه آغاز می‌شود و تا فنا و بقای بالله پیش می‌رود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۷۴) و این مهم فقط با تقید به شریعت مقدس در تمام حرکات و سکنات حاصل می‌شود؛ بنابراین از ویژگی‌های عرفان اصیل و حقیقی، مخالفت نداشتن آن با شریعت است؛ چراکه خداوند فرموده است: «هُدًى كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ». (انعام: ۱۵۵) و یکی از جلوه‌های مخالفت نداشتن عرفان با شریعت در تقید به شریعت و دستورها و احکام شرع است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳) این تبعیت چنان مهم و اساسی است که خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ». (مائده: ۴۸) یا در صلوات شعبانیه فرموده‌اند: «المتقدم لهم مارق و المتأخر عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق». (قمی، بی تا: ۱۵۶)

هر دستوری که از شریعت فاصله می‌گیرد، در مسیر سیر الی الله نیست؛ زیرا راهی که به سوی خدا است، باید خدا هم آن را امضا کند؛ پس شریعت محوری پایه و اساس سلوک است و موجب امتیاز طریقتی است که سالک در آن سیر می‌کند. (یزدان پناه، جلسه ۳۶۴)



شریعت اسلامی در همه زمینه‌ها از نماز گرفته تا معاشرت‌های اجتماعی در عرصه‌های گوناگون خانوادگی، اقتصادی، سیاسی و سایر امور اجتماعی دارای سلسله‌دستورهایی است که پرداختن به آن‌ها در درجه اول اهمیت است؛ یعنی سالک در مسیر سلوک، باید خواست خدا را در نظر بگیرد و این یعنی پایبندی به شریعت و قرارگرفتن در فضای بندگی. (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳) در این صورت سالک روح خداپرستی را در همه مظاهر زندگی جلوه‌گر می‌کند و به جای خودخواهی و خودپرستی و محوریت دادن به هوای نفس، در همه جا و همه کار، یگانه‌محور و ملاکش خداخواهی و خداپرستی می‌شود. (همو: ۱۷۵)

عرفا سلوک الی الله را دارای سه مرتبه می‌دانند: شریعت، طریقت و حقیقت. ارتباط شریعت، طریقت و حقیقت، ارتباطی در شکل ظهور و بطون است؛ یعنی آن‌هنگام که انسان با استفاده از شریعت به مقام طریقت نائل می‌شود نه تنها در اصل ورود و دخول به طریقت، بلکه برای حفظ مقام طریقتی خویش نیز باید مقام شریعتی خود را نگاه دارد و از شریعت بهره‌گیری. (امینی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۷۰) پس تقید به شریعت به این خاطر است که طریقت، فرع بر شریعت است به این معنا که همه دستوره‌های دین باید در همه مراحل، کاملاً رعایت شود؛ چراکه بدون التزام به شریعت، رسیدن به مقامات سلوکی عرفانی ممکن نیست. در واقع مراعات دستوره‌های شرعی در حکم مقدمه‌ای ضروری برای ورود در وادی سیروسلوک است و بدون اطاعت از شریعت، اساساً گام نهادن در راه طریقت و سیروسلوک معنایی نخواهد داشت و چیزی جز پیروی از هواهای نفسانی نخواهد بود؛ چون تقرب به حق تعالی با زیرپانهادن امرونهی‌های او حاصل نخواهد شد. (یزدان‌پناه، ۱۳۸۸: ۶۶ تا ۸۷)

پایبندی به شریعت و پیروی از آن در تمامی مراحل، باعث حفظ سالک از انحراف و فساد در مسیر طریقت می‌گردد و حقایق دست‌داده به عارف را از خطا و انحراف در امان می‌دارد و این امری نیست که فقط به آغاز راه مربوط باشد؛ بلکه پیش شرط پیروی از شریعت در تمام مسیر، همواره وجود دارد. (همو: ۸۹)

اولین مقدمه رسیدن انسان به مقامات انسان کامل، طهارت نفس است که جز با رعایت دقیق آداب شرعی به دست نمی‌آید. با حصول پاکی و مناسبت ذاتی برای انسان سالک، به تدریج او در مقامات طریقتی گام نهاده و آرام آرام به حقیقت می‌رسد و چون در دل هر گناهی نوعی آلودگی باطنی نهفته است، به تدریج پاکی نفسانی که منشأ پدیدآمدن حالات ملکوتی بوده، زایل می‌شود و در پی آن سقوط از مقامات معنوی آغاز می‌گردد. پس طرح معنویت و





عرفان بدون فقه و شریعت، روی دیگر جاهلان از صوفیه است. (امینی نژاد، ۱۳۸۷: ۷۲)

روش سلوکی برای رسیدن به حق تعالی در مکتب اخلاقی عرفانی نجف از روش های نزدیک است. این مکتب به روش قرآنی و سیره معصومان علیهم السلام عمل می کند. عالمان ربانی این مکتب نیز پایبندی به شریعت را از ارکان سلوک الی الله می دانسته اند. آقامحمد بهاری از شاگردان ملاحسینقلی همدانی و از ارکان مکتب اخلاقی معنوی نجف در نامه های خود به بعضی از ارادتمندان، راه رسیدن به قرب الهی را کسب محبت الهی می شمارد و مسیر دستیابی به این محبت را تقوا معرفی می کند و حصول تقوا را به چند چیز از جمله ترک معصیت و تقید به شریعت در تمام مراتب مشروط می کند و چنین می نویسد:

«غرض اصلی از خلقت حاصل نخواهد شد به جز اینکه معرفت و محبت میان عبد و مولا باشد و تحصیل تقوا محتاج به چند چیز است که چاره ندارد از آن ها. که عبارت اند از: اتیان واجبات و مستحبات، ترک محرمات و مکروهات و انجام مباحات به قدر ضرورت و در دل، غیر او نباشد.» (بهاری، ۱۳۶۱: ۸۸)

ایشان فقه را مقدمه اخلاق و اخلاق را مقدمه کسب معارف می داند و از عرفان دم زدن بدون ترک معصیت و تقید به شریعت و تأدب به آداب شرع را غلط می داند و در نامه سوم می گوید:

«المتقین فلا بد من اعتدال المزاج و ان یكون متادبا بآداب الشرع و متأمنا للمعاصی و تارکا لها... زیرا که تمام اخلاق مقدمه معارف است، بعد علم الفقه هیچ رکنی از ارکان شریعت نباید در زمین بماند و تأویل در ظواهر آن بشود، و وظایف آن ها هر کدام در محل خود باید اتیان شود، تارك الصلوة را بل تارك التوافل را دم از عرفان زدن غلط اندر غلط است.» (همو: ۱۰۴)

استوانه مکتب اخلاقی معنوی نجف، جناب ملاحسینقلی همدانی که به نوعی پایه گذار این مکتب اصیل و پربرکت می باشد نیز در برخی از سفارش های خود به شاگردان، التزام به شرع مقدس در تمام حرکات و سکنات و ترک معصیت را تنه اراه قرب الی الله می داند و می فرماید:

«مخفی نماند بر برادران دینی که به جز التزام به شرع شریف در تمام حرکات و سکنات و تکلمات و لحظات و غیرها راهی به قرب حضرت ملک الملوک جل جلاله نیست... بناء علی هذا باید مقدم بداد شرع شریف را و اهتمام نماید هر چه در شرع شریف اهتمام به آن شده، و آنچه این ضعیف از عقل و نقل استفاده نموده ام این است که اهم اشیا برای طالب قرب، جد و سعی تمام در ترک معصیت است... الحاصل لا طریق الی القرب الا بشرع شریف

فی کلّ کلتی و جزئی.» (همو: ۱۷۷ و ۱۸۲).

حضرت آیت‌الله ناصری رحمته‌الله از شاگردان علمی و سلوکی مکتب اخلاقی معنوی نجف و از تربیت‌شدگان و راه‌یافتگان در عالم عرفان و معنویت است. ایشان از اصل تقید به شریعت چه در سلوک شخصی و چه در سیره تربیتی خود به نیکی مواظبت می‌کردند تا جایی که مشهورترین دستورالعمل و سفارش ایشان «انجام واجبات، ترک محرمات و توسل به امام زمان علیه‌السلام» بود. ایشان این سفارش ارزشمند را از انسانی گران‌سنگ؛ همچون شیخ محمد کوفی رحمته‌الله نقل می‌کردند که راه رسیدن به امام زمان علیه‌السلام «انجام واجبات و مستحبات، ترک محرمات و مکروهات» است. (حسینی، ۱۴۰۲: ۱۱۱) معمولاً دستورالعمل‌های ایشان دارای دو بخش بود: عام و خاص. ایشان در دستورهای عمومی به انجام واجبات و ترک محرمات، تقید به نماز اول وقت، احترام به والدین، جدیت در تحصیل، دائم‌الوضو بودن، قرائت روزانه قرآن، مراقبت از چشم و زبان سفارش می‌کردند. (حسینی، ۱۴۰۲: ۲۲) آیت‌الله ناصری رحمته‌الله والاترین مقام انسان را عبودیت خداوند می‌دانستند و پایبندی به شریعت را از شروط این بندگی دانسته، می‌فرمودند: «اما به‌رحال، ما باید عبد باشیم. هرچه خدا گفت، بگوییم: چشم. اگر خداوند فرمود: واجبات را به‌جا بیاور. بگوییم: چشم. اگر خداوند فرمود: محرمات را ترک کن. بگوییم: چشم. این وظیفه ما است.» (ناصری، ۱۴۰۱: ۴۵)

در سیره و بیان آیت‌الله ناصری رحمته‌الله شواهد بسیاری در رابطه با اصل شریعت محوری یافت می‌شود؛ ولی برای جلوگیری از اطّاب کلام به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۲. اصل رعایت توانمندی‌های فردی متربی

خداوند متعال در نهاد آدمی ظرفیت، قابلیت و توان‌های بالقوه‌ای به ودیعه گذاشته تا به تدریج شکوفا شود و به کمال برسد. افراد انسانی به دلیل تفاوت در میزان رشدیافتگی استعدادها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند و ملاصدرا تفاوت انسان‌ها را ذاتی می‌داند. (عبودیت، ۱۳۹۱، ج ۳: ۴۳۴) و بالطبع در نظریات تربیت او نیز تحولاتی به وجود می‌آید. مرحوم نراقی در اثر اخلاقی خود توجه به ظرفیت متربی را مهم دانسته، می‌نویسند:

«و الناس فيه مختلفون بحسب اختلافهم في القوة و الاستعداد و السعي و الاجتهاد،

كما هم مختلفون في إدراك أنواع العلوم و الصنائع.» (نراقی، بی‌تا، ج ۱: ۱۵۱)





از اصول مهم در تعلیم و تربیت، اصل رعایت تفاوت‌ها است که به اقسامی تقسیم می‌شود. قاعده کلی این است که تفاوت‌های اشخاص یا گروه‌های مورد تعلیم و تربیت، در تنظیم برنامه‌های تربیتی و نظام تعلیم و تربیت، باید در نظر گرفته شود. شایان ذکر است که ریشه این اصل در اصل رفق و مدارا یعنی رعایت و توجه به ظرفیت‌های متربی است. (اعرافی، درس خارج فقه تربیتی، ۹۶/۱۱/۴) در اصل بعدی به‌گونه‌ای به رفق و مدارا خواهیم پرداخت.

معمولاً در تربیت، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی حالت مشترک دارد و برای همه متربیان انجام می‌شود. سبب این است که مشترکات متربیان را در برنامه‌ریزی در نظر می‌گیرند؛ درحالی‌که بنا بر اصل رعایت تفاوت‌های فردی باید افزون بر لحاظ مشترکات، به تفاوت‌های فردی متربیان نیز توجه شود و این دو یعنی مشترکات و تفاوت‌ها در کنار هم دیده شود.

اصل رعایت توان متربی به معنای توجه به توانایی‌های متربیان از سوی مربیان در هر اقدام و روش تربیتی است؛ یعنی مربی میزان حفاظت، مراقبت و عهده‌دار شدن متربی و جدیت او در کار را بررسی نماید. از این رو توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های متربی در تربیت باید به عنوان شاخصی مهم مورد توجه مربیان باشد. (اعرافی، ۱۴۰۱، ج ۱۱: ۳۶ تا ۴۱)

نباید برای همه متربیان از یک روش یا اقدام تربیتی ثابت استفاده شود و تفاوت‌های آنان نادیده گرفته شود؛ چراکه رعایت توان، افزون بر اینکه اصلی عقلی و عقلایی است در آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام هم به آن به‌طور صریح اشاره شده است. در قرآن آمده است: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾. (حج: ۷۸) و در روایات فرموده‌اند: «ان الدین لیس بمضیق فان الله یقول ما جعل علیکم فی الدین من حرج.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۶۳) و فرموده‌اند: «لاَ ضَرَرَ وَ لاَ ضِرَارَ عَلَی الْمُؤْمِنِ.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۹۴)

رعایت کردن توان و ظرفیت متربی بیشتر ناظر به باید‌ها و نباید‌های هم‌سو با تربیت است. البته رعایت توان شامل اقدامات منجر به اعطای بینش و انگیزش نیز می‌شود. بنابراین توجه به توان افراد و تشخیص میزان آن در افراد، سنجه‌ای برای تفکیک افراد و طبقه‌بندی آنان برای سپردن وظایف و مسئولیت‌ها است و تشخیص ندادن توان متربیان یا اهمال از این امر و ادبار به آن، خساراتی به متربی، خانواده و اجتماع وارد می‌کند. (اعرافی، ۱۴۰۱، ج ۱۱: ۵۱ تا ۶۸)

در قرآن کریم نیز رعایت توان مخاطب از ضروریات تربیت شمرده می‌شود: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا... رَبَّنَا وَ لَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾. (بقره: ۲۸۶؛ انعام: ۱۵۲؛ بقره: ۲۳۳)



لازمه رعایت این اصل، شناخت مربی از توانایی‌های تربی است و ملاک کشف توان او، معاینه استاد و شهود اوست.

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله پرورش یافته اساتید اخلاق و معنویت مکتب نجف بودند که در دستورالعمل‌ها و تربیت شاگردان به این اصل به شدت پایبند بوده، توان و ظرفیت آن‌ها را رعایت می‌کردند به طوری که برای افراد مختلف برنامه‌هایی گوناگون ارائه می‌نمودند.

ایشان به برخی قرائت روزانه ۵۰ آیه قرآن و به بعضی یک جزء و بیشتر سفارش می‌کردند؛ بعضی را به قرائت ۱۱ مرتبه سوره توحید پیش از خواب سفارش می‌کردند و برخی را به قرائت ۵۰ مرتبه؛ اشخاصی را به بیداری سحر سفارش می‌کردند و افرادی را به بیداری در اول اذان صبح ترغیب می‌نمودند (موسوی، مصاحبه شخصی، تیر ۱۴۰۲)؛ بعضی را حضوری در منزل می‌پذیرفتند و پاسخ‌گوی برخی در مسجد بودند. علت این تنوع رفتار در تعامل با افراد، توجه به ظرفیت هر فرد بود. چرا که ممکن بود حضور در منزل و تحویل گرفتن برخی اشخاص از سوی اولیای الهی سبب تکبر و غرور آنان شود (کمالی، مصاحبه شخصی، تیر ۱۴۰۲). این‌ها مشتکی از خروار در رابطه با رعایت اصل توانمندی تربی است که آیت‌الله ناصری رحمته‌الله در برنامه‌های خود اعمال می‌کردند. و این توانمندی در شناخت توان و استطاعت مخاطبان، ناشی از معاینه و شهود حقیقت و جان آن‌ها از سوی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله بود (مرتضوی، مصاحبه شخصی، تیر ۱۴۰۲).

۳. اصل رعایت تدریج در تربیت

از دیگر اصول مورد استفاده آیت‌الله ناصری رحمته‌الله اصل رعایت تدریج در تربیت بود. این اصل، رعایت پیش‌نیازها در بستر زمان به صورت گام به گام است. اصل تدریج ضد شتاب‌زدگی در تربیت است. تدریج از سنن الهی است که بر عالم هستی سایه افکنده و خداوند به عنوان مربی بشر خود در امور مختلف، از جمله آفرینش جهان و انسان، ارسال رسل و نزول قرآن این اصل را رعایت فرموده است. اهل بیت علیهم‌السلام در مقام هدایت و تربیت، در تبلیغ احکام دین و اجرای آن به تدریج مردم را تعلیم داده‌اند تا معارف الهی به آرامی در عمق جان آن‌ها نفوذ کند و زمینه التزام و عمل به آموزه‌ها و معارف دین فراهم آید. (اعرافی، ۱۴۰۱، ج ۱۱: ۳۰۶) بشر می‌تواند با الگوبرداری از این سنت در ساحات گوناگون و از جمله تربیت و پرورش بهره‌بردار.

رفتارهای ظاهری و افکار و نیت‌ها در اثرگذاری و اثرپذیری‌های پیوسته خود، حاصلی به بار می‌آورند که به تدریج در اعماق وجود شخص می‌نشینند و رفته‌رفته با رسوب بیشتر سخت





و دیرپا می‌شود و لایه‌ای زیرین در باطن انسان شکل می‌دهد که در فرهنگ قرآنی شاکله و در بیان اخلاقیان، ملکه و نزد روان‌شناسان، منش و شخصیت نام دارد.

شکل‌گیری این شاکله و رشد نفس، از مرحله جسمانی به مرحله روحانی با حرکت جوهری انجام می‌شود و چون حرکت جوهری در بستر زمان صورت می‌گیرد؛ رشد انسان در همه ابعاد، مشمول قانون تدریج می‌شود و به همین علت رشد نفس و شکل‌گیری شاکله، تدریجی است؛ اما تدریج متناسب با خود را دارد. در قرآن تعابیری مانند: «مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ...» به رشد و شکل‌گیری تدریجی شاکله در انسان اشاره می‌کند. (باقری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۲۲ تا ۱۲۷)

پس تربیت کردن و تربیت‌پذیری در انسان نیز فرایندی تدریجی خواهد بود؛ به همین خاطر در تربیت و پرورش باید قاعده‌ای به نام اصل تدریج را رعایت کرد.

اصل تدریج ذیل اصل رعایت توان متربی است که بر اساس آن در روش‌های تربیتی، توان‌ها، ظرفیت‌ها و استطاعت متربی را باید رعایت کرد تا تکلیف سخت و ناممکن بر دوش او بار نشود و موجب زدگی او نگردد و نتیجه معکوس به بار نیآورد. براساس حکم عقل، رعایت تدریج و پرهیز از شتاب و عجله در تربیت، رجحان عقلی دارد که به ملازمه، رجحان و مطلوبیت شرعی آن نیز اثبات‌پذیر است و رعایت نکردن آن اگر موجب بیزاری از تربیت و زمینه گمراهی متربی را فراهم سازد، رعایت آن، امری الزامی می‌شود. (اعرافی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۲۴۵)

ازاین رو بنابر اصل تدریج، هر اقدام و روش تربیتی که از سوی مربی به کار گرفته می‌شود باید به آرامی و به‌دوراز شتاب و عجله و همراه با درنگ و تدریج باشد تا زمان لازم برای تغییر، اصلاح و شکوفایی متربی فراهم شود.

رعایت اصل تدریج، گونه‌های مختلفی دارد که در برخی رعایت این اصل از آسان به سخت و در بعضی از کم به زیاد و در مواردی از مهربانی و لطافت به سخت‌گیری و غلظت ظهور و بروز دارد. (حسین‌خانی، ۱۳۹۹: ۱۰۵ تا ۱۱۵)

یکی از ساحات تربیتی، تربیت معنوی و سلوک الی‌الله است که در آن نیز برای رسیدن به نتیجه باید اصل تدریج رعایت شود. مرحوم امام رعایت قاعده تدریج در تهذیب و تطهیر نفس و نیز تغییر فطرت محجوب انسان را ضروری دانسته، می‌فرماید:

«همان‌گونه که تحوّل فطرت پاک انسانی در اثر ارتکاب جرائم مختلف و پی‌درپی به نهادی



درنده خو، طبعاً محکوم قانون تدریج و زمان بر است، اصلاح و پیراسته ساختن نفس آدمی از صفات زشت و ناروا نیز به زمان نیاز دارد و طبعاً محکوم قانون تدریج است و به این جهت، پدیده «طفره» در نظام اخلاقی، مردود است.» (خمینی، ۱۳۸۲: ۳۶۱)

با توجه به مطالب پیش گفته، رعایت اصل تدریج از قواعد مهم پرورش و تربیت و سلوک الی الله است؛ چراکه برای کسب آمادگی لازم برای انجام تکالیف دشوارتر در مسیر سلوک، جلوگیری از افراط و تفریط در اعمال و شکستن خوی انانیت و سرکشی، رعایت این اصل، ضروری است و نیز رعایت نکردن آن سبب ناتوانی جسمی و آسیب های روانی و تنفر از سلوک الی الله و بالتبع باعث خسارت های اخروی و دنیوی می شود. مرحوم امام نتیجه سخت گیری بی قاعده بر نفس را، تنفر از سلوک، فرار از حق و لاابالی گری در دین می شمارند و می گویند: «و در باب ارتیاض نفس و سلوک راه حق نیز رفق و مدارا با نفس، از مهمات به شمار می رود. و چه بسا که سخت گیری بر نفس، خصوصاً در اوایل امر و خصوصاً برای جوان ها، اسباب تنفّر نفس از ارتیاض و سلوک شود، و از زیر بار حق فرار کند. و خیلی اتفاق افتاده که جوان های نارس بعد از چندی اشتغال شدید و مواظبت کامل در مستحبات، به کلی منحرف شدند و لایبالی به دین گردیدند.» (همو: ص ۳۱۸)

آیت الله ناصر رحمته الله علیه به عنوان عارفی راه رفته و استاد حاذق در سلوک، در برنامه ها و دستورالعمل های سلوکی خود به جدّ خود را به رعایت این اصل ملزم می دانستند. برنامه های ایشان برای سالک در ابتدا بسیار سبک، آسان و کم نمونه بود و در برخی برنامه های سلوکی، اصل تدریج از قسم سیر از کم به زیاد مورد توجه ایشان بود. برای نمونه برخی از دوستان ایشان می گویند: ابتدا به ۱۰۰ مرتبه استغفار سفارش می کردند و با گذشت زمان بر تعداد، چگونگی و شرایط انجام آن می افزودند و آن را به ۲۰۲، ۳۰۰، ۵۰۰ و ۷۸۶ مرتبه با رعایت شرط خلوت و توجه می رساندند.

در بعضی برنامه ها رعایت اصل تدریج از نوع حرکت از آسان به سخت را رعایت می کردند. مثلاً ابتدا به بیداری اول اذان و در ادامه، به بیداری قبل از اذان صبح و به مرور و با توجه به ورزیدگی سالک، یک ساعت بیداری، قبل از اذان صبح همراه با بیداری بین الطلوعین را سفارش می کردند. در تلاوت قرآن نیز از روزانه تلاوت ۵۰ آیه تا چند جزء را دستور می دادند.

ایشان در سایر برنامه ها و دستورالعمل ها نیز این اصل را رعایت می کردند که مجال پرداختن



به آن نیست. شایان ذکر است که ایشان برای اجرایی ترشدن اصل تدریج، دستورهای سلوکی را در طول مسیر پرورش و تربیت افراد، به نحو برنامه و نسخه‌های مدت‌دار و لازم‌الاجرا برای شاگردان خود ارائه می‌کردند. (بحرینیان، مصاحبه شخصی، تیر ۱۴۰۲)

۴. بهره‌وری از عوامل سرعت بخش و پیشران در سلوک

بهره‌وری از عوامل سرعت بخش و پیشران در سلوک یکی دیگر از اصول حاکم بر دستورات سلوکی آیت‌الله ناصری علیه السلام است. در مراحل اولی از سلوک، سالک به مرتبه‌ای می‌رسد که خلاق و آثار و لوازم آن‌ها را مشاهده می‌کند و بر سود و زیان آن‌ها در دنیا و آخرت و چگونگی بازگشتشان به حق تعالی آگاه می‌گردد. این مهم افزون بر انبیا و ائمه معصوم علیهم السلام برای برخی از وارثان حقیقی آن‌ها یعنی عالمان ربانی نیز نصیب می‌شود که به سبب آن بر مشاهده حقیقت مخاطبان و شاگردان، شناسایی سود و زیان امور و مسائل اثرگذار در سرنوشت‌ها در دنیا و آخرت و آگاهی از مسیر و چگونگی بازگشت آن‌ها به خداوند متعال توانمند می‌شوند و به دنبال این ظرفیت، توان هدایت، تربیت و تزکیه افراد را می‌یابند. این دسته از اولیا به چگونگی تأثیرگذاری امور در سلوک شاگردان خود آگاه‌اند و با به‌کارگیری آن‌ها در ظرف مناسب خود، زمینه رشد و تزکیه تشنگان سلوک را فراهم می‌کنند و آن‌ها را به پیش می‌برند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۷، ج ۲: ۳۵۹ تا ۳۶۹)

در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام شریعت، طریقت و حقیقت هر سه به مراتب یک امر اشاره می‌کنند و حقیقت در باطن طریقت و طریقت در دل شریعت نهفته است و دین اسلام با رویکرد تبیینی و تفسیری اهل بیت علیهم السلام^۱ و شاگردان وراثتی ایشان درصدد پاسخ‌گویی به همه نیازهای ظاهری و باطنی بشر برای رسیدن به غایت خود یعنی لقای حق تعالی می‌باشد؛ از این رو آنچه در تربیت، تزکیه، رشد و شکل‌گیری شاكلة الهی مخاطبان مؤثر می‌باشد را بیان نموده‌اند. با توجه به محدود بودن این نوشته به اجمال به این مبحث می‌پردازیم.

در علوم تربیتی مهم‌ترین عوامل مؤثر در تربیت را وراثت، محیط، اجتماع و تربیت معرفی کرده‌اند؛ ولی در کلام اهل بیت علیهم السلام افزون بر این امور برخی عوامل دیگر نیز به‌طور گسترده بیان شده است؛ زیرا براساس تعالیم نقلی و عقلی، هر رفتار انسان به‌گونه‌ای در وجود او اثر می‌گذارد. مرحوم ملاصدرا می‌فرماید: «ما من عمل یصدر من ابن آدم قول أو فعل فکر أو عمل،

۱. «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ نحل: ۴۴.



خَيْرٌ أَوْ شَرٌّ، إِلَّا وَ لَهُ تَأْثِيرٌ فِي أَحْوَالِ قَلْبِهِ وَإِلَيْهِ الْإِشَارَةُ بِقَوْلِهِ (تعالى) «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۱: ۷۷)

اقتضای حکمت و ربوبیت خداوند متعال این است که تمام لوازم رشد و شکوفایی بشر را بیان فرماید. با بررسی گذرا در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام این نتیجه حاصل می شود که تعداد عوامل مؤثر در شکل گیری شاکله فرد فراوان است به طوری که شمارش آن ها به طول می انجامد و نیازمند چندین مقاله جداگانه می باشد. به همین دلیل، فهرست وار به برخی از این عوامل اشاره می نمایم:

اعتقادات، دیدگاه ها و افکار، نیت، خلیقات، رفتارها، ولایت پذیری، حلال بودن رزق، قرائت و انس با قرآن، اذکار، ادعیه، زیارات، نمازها، روزه، صدقات، تغذیه، ارتباطات با دیگران (اعم از انسانی، رفاقتی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اخلاقی، نظامی، حاکمیتی، صنعتی و فناورانه ...) خواب و بیداری، امور طبیبی و مزاجی، جغرافیا، زمان، اعداد، توسلات، پدیده های نجومی و رعایت آداب شب زفاف و تولیدمثل، آداب بارداری، شیردهی و تولد، آداب لباس، مسکن، خوردن و آشامیدن، طهارت، پاکیزگی، کار و ...

در روایات زیادی به عوامل مؤثر در شاکله اشاره شده است که برای نمونه به یکی از آن ها اشاره می نمایم.

شیخ عباس قمی درباره عمل ام داوود چنین می نویسد:

«عمل ام داوود که عمده اعمال این روز (۱۵ رجب) است و برای برآمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان مؤثر است و کیفیت آن بنا بر آنچه در مصباح شیخ است آن است که چون خواهد این عمل را به جا آورد روزه بگیرد روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را؛ پس در روز پانزدهم نزد زوال غسل کند و چون وقت زوال داخل شود نماز ظهر و عصر را به جا آورد در حالتی که رکوع و سجودشان را نیکو کند و در موضع خلوتی باشد که چیزی او را مشغول نسازد و انسانی با او تکلم ننماید؛ پس چون از نماز فارغ شود روبه قبله کند و بخواند حمد را صد مرتبه و سوره اخلاص را صد مرتبه و آیت الکرسی را ده مرتبه و بعد از این ها بخواند سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و صافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و فتح و واقعه و ملک و ن و إذا السماء انشقت و ما بعدش را تا آخر قرآن و چون از این ها فارغ



شود بگویند در حالتی که روبه قبله باشد: "صَدَقَ اللهُ الْعَظِيمُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ..." پس سجده کن بر زمین و بر خاک بگذار دو طرف روی خود را و بگو: "اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ... إِلَيْكَ يَا رَبِّ" و کوشش کن که اشک بریزد چشم‌های تو اگرچه به قدر سر مگسی [سوزنی] باشد به درستی که این علامت استجاب است.» (قمی، بی تا: ۱۴۴ تا ۱۴۸)

این حدیث از زبان صاحب مفاتیح الجنان نقل شده و با واکاوی آن به دست می‌آید که برخی از عوامل مؤثر در رشد انسان عبارت‌اند از: روزه، ظرف زمان از حیث ماه، روز و ساعت، نمازهای واجب، حالات و توجهات، مکان، چگونگی و جهت نشستن و روبه قبله بودن، قرائت سور، تعداد و عدد معین ۱۰۰ یا ۱۰، رعایت تقدم و تأخر برنامه، دعا، وضع بدن یعنی سجده و گذاردن گونه بر خاک و اشک ریختن.

هریک از این عوامل و ترکیب آن‌ها در شکل‌گیری شاکله مؤثر است.

این‌ها بخشی از عوامل مؤثر در تربیت معنوی است که آشنایان به راه‌های سلوک الهی به تناسب از آن برای پیشبرد رشد و سلوک شاگردان خود به‌عنوان پیشران بهره می‌برده‌اند. آیت‌الله ناصری رحمته‌الله از جمله علمای ربانی مکتب عرفانی معنوی نجف و مزین به علم‌الوراثه از اهل بیت علیهم‌السلام بوده و از سفره معنوی بسیاری از عالمان ربانی و شاگردان وراثتی اهل بیت علیهم‌السلام بهره‌مند شده‌اند. ایشان نیز در تربیت معنوی شاگردان سلوکی خود و در برنامه‌ها و سفارش‌های عرفانی خود به‌طور ترکیبی از این پیشران‌ها بهره می‌بردند. به‌عنوان نمونه یکی از دستورالعمل‌های ایشان را بررسی می‌نماییم.

بخش اول: التزام به امور عام: نماز اول وقت، تسبیح حضرت زهرا علیها‌السلام، اغلب اوقات با وضو بودن، دعای عهد، احترام به والدین، جدیت در تحصیل، بیداری اول اذان صبح، حسن ظن به فعل‌های خداوند حکیم و مراقبت از چشم و زبان.

بخش دوم: تلاوت حداقل روزی ۵۰ آیه، نافله صبح، مغرب و عشا و شب، روزی ۲۰۰ مرتبه استغفار، روزی ۲۰۲ مرتبه ذکر یونسیه، تلاوت ۵۰ مرتبه سوره توحید هنگام خواب، زیارت امین‌الله همراه با دو رکعت نماز، ۱۱۴ مرتبه تلاوت آیه توكَلْ، دو روز در هفته مناجات تائبین، عصر جمعه نماز حضرت امام زمان علیه‌السلام و ۵۰۰ مرتبه صلوات.» (جدیدی، مصاحبه شخصی، تیر ۱۴۰۲)

ظرفیت‌ها و پیشران‌هایی در روایات اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد که بزرگان سیر و سلوک نیز



آن را آموده‌اند. با دقت در این دستورالعمل روشن می‌شود که آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه نیز در تربیت شاگردان خود از این ظرفیت‌ها بهره می‌برده‌اند و فقط به برخی امور مثل «عمل به ضد» اکتفا نکرده‌اند که در بیشتر کتب اخلاقی و معنوی به آن اشاره می‌شود.

ایشان در این نمونه از دستورالعمل‌ها از پیشران‌هایی مثل نماز واجب و مستحب، اذکار ترکیبی، طهارت، ادعیه، رفتارها و حالات، خواب و بیداری، خلیقات، تلاوت قرآن، سجده، زیارات، تلاوت برخی آیات و سوره‌ها، مناجات، توسل به امام زمان علیه‌السلام و درنهایت از ترکیباتی که بین برخی از این پیشران‌ها مثل ترکیب اعداد و اذکار، ترکیب زیارت و نماز، ترکیب زمان، اعداد و قرائت سوره‌ها برای اصلاح و رشد مخاطبان خود بهره برده‌اند تا تربیت معنوی سالک سرعت و جامعیتی بیشتر داشته باشد.

۵. محور بودن امام زمان علیه‌السلام در تمام کارها

از اصول حاکم بر روش سلوکی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه محور بودن امام زمان علیه‌السلام است. مقام ولایت مطلقه، واسطه فیض و افاضه خداوند است که نزول فیوض و برکات الهی بر همه موجودات و از جمله انسان‌ها و صعود همه آن‌ها به سوی پروردگار از طریق او انجام می‌شود. در این عصر، حضرت بقیه‌الله‌الاعظم علیه‌السلام ولی زمان، حجت عصر، واسطه نزول فیض حق و صعود خلق به سوی حق تعالی می‌باشند. در دعای ندبه آمده است: «این السبب المتصل بین الارض و السماء این باب‌الله الذی منه یؤتی.» (قمی، بی تا: ۵۳۵)

عموم بندگان خدا یعنی غیر معصومان علیهم‌السلام صلاحیت ندارند که مستقیم به ساحت قدس حضرت معبود رو کنند؛ زیرا او بسیار اعلی و اقدس است؛ پس باید به واسطه و جاهت و توجه به وجه بنده صالح او به سوی خدا رو کرد و این منتی است که باید خداوند بر انسان بگذارد. «وَأْمُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ.» (همو: ۵۳۸)

سالک صادق و مشتاق لقای حضرت حق، به لقا و شهود جلوه تام جمال و جلال او که جلوه اسم اعظم او و وجه اوست، مشتاق است؛ پس سالک باید به آن حضرت، سخت تعلق و محبت داشته باشد و از فراق آن حضرت در حزن و اندوه بوده، شب و روز در آرزوی زیارت جمال او باشد و با دلی سوخته از خداوند، لقای او را مسئلت کند که این آرزوی مشتاقان و مقصد عارفان است: «این وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیا.» (همو: ۵۳۵) و البته شایان ذکر است که محبت اهل بیت علیهم‌السلام به معنای توجه به مقام والای معنوی ایشان است؛ از این رو باید



نتیجه دوست داشتن امام علیه السلام معرفت به مقام والای معنوی ایشان باشد و در این صورت، محبت او مساوق با ایمان خواهد بود و این زمانی اتفاق می افتد که شخص حقیقتاً به مقام عقلی محبوب واقف شود و به معیار سعادت دست یابد. (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۳۶: ۱۸۳)

سالک صادق و مشتاق لقای حضرت حق، باید جهت تعجیل فرج آن حضرت برای اعتلای کلمه توحید، با اصرار و سوز دل دعا کند و دردمندانه فرج آن حضرت را بخواهد و بر این دعا مداومت داشته باشد و ازسوی دیگر از خداوند بخواهد که او را از یاران حضرتش قرار دهد و در همین راستا باید در توسل به آن حضرت و استشفاع از او بکوشد و اصرار نماید و سعی کند نظر خاص حضرتش را به خود جلب کند و خلاصه باید به هر حیلۀ در دل آن حضرت راهی پیدا کند که قلب او تجلی گاه جمال و جلال الهی است و عشق به او، عشق به صاحب جمال و جلال یعنی حضرت حق است و نظر خاص او به اذن الله حل کننده مشکلات طریق است و عنایت های ربوبی از این طریق کسب می گردد که فرمود: «بکم فتح الله و بکم یختم، فاز الفائزون بولایتکم.» (قمی، بی تا: ۵۴۹)

پس مداومت بر عرض طاعت و تبعیت، تجدید عهد، بیعت، اظهار مودت، محبت، توسل و شفاعت طلبی از حضرت ولی عصر علیه السلام از ارکان اصلی در سلوک عبودی و در سفر الی الحق است که خود این طاعت و تبعیت از امام، بیعت و عهد با ایشان دستور خداوند متعال است. (شجاعی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۱۱ تا ۱۱۷) و از طرفی محبت به حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام آثاری دارد که برخی از آن ها عبارت اند از:

مقدم کردن محبوب بر همه چیز و بر خود؛ اطاعت و کسب رضای محبوب؛ حصول شوق لقای محبوب؛ حب و بغض در مسیر بقیه الله و فی الله؛ ذکر دائم محبوب؛ فراغ قلب از غم و شادی غیر محبوب؛ خوف فراق و هجران از محبوب. (شجاعی، ۱۳۸۸: ۵۷) که در سالکان طریق حق باید تجلی یابد.

آیت الله ناصری علیه السلام در پابندی به این رکن اصلی سلوک الی الله بسیار جدی بودند و خود ایشان به گونه ای در تمام ابعاد زندگی متوجه، متذکر و متوسل به حضرت بقیه الله الاعظم بودند که در بین حوزویان و عموم مردم به امام زمانی بودن شناخته می شدند. آیت الله ناصری علیه السلام در همه دستوره های سلوکی خود و از جمله مشهورترین سفارش معنوی ایشان؛ یعنی «انجام واجبات و ترک محرّمات» توجه و توسل به امام زمان علیه السلام را به عنوان تمام کننده و کامل کننده آن، سفارش می فرمودند و همان طور که پیشتر اشاره شد ایشان در دستوره های سلوکی تجدید عهد روزانه



با امام زمان علیه السلام با دعای عهد را یکی از التزامات عام سلوک می دانستند. (حسینی، ۱۴۰۲: ۲۲) و در دستوره‌های خاصشان نیز برنامه‌هایی ویژه برای ارتباط با حضرت، سفارش می‌کردند، که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: غسل جمعه همراه با نماز امام زمان علیه السلام و ختم ۵۰۰ مرتبه صلوات. سفارش ایشان در سفرهای زیارتی نیز این بود که اولین زیارت به نیابت پدر و مادر امام زمان علیه السلام باشد و در زیارت امام رضا علیه السلام می‌فرمودند: هر روز زیارت جامعه همراه با نماز امام زمان علیه السلام خوانده شود. (مرتضوی، مصاحبه شخصی، تیر ۱۴۰۲) در مشکلات سخت، سفارش می‌کردند که مادر فرد گرفتار، در چند سحر، نماز امام زمان علیه السلام بخواند. و پیوسته می‌فرمودند: «در مشکلات یا ابن‌الحسن فراموش نشود.» (حسینی، ۱۴۰۲: ۱۱۳) ایشان امام زمان علیه السلام را پناه شیعه معرفی می‌کردند.

با واکاوی سیره آیت‌الله ناصری علیه السلام به عنوان محب واقعی همه آثار و آداب محبت در ایشان دیده می‌شود؛ از جمله: مقدم کردن امام زمان علیه السلام بر همه چیز اعم از اطاعت، یاد حضرت علیه السلام، کسب رضایت ایشان علیه السلام، تنظیم حب و بغض‌ها بر اساس محبت امام زمان علیه السلام، مشغول بودن قلب به ایشان، وابسته کردن غم و شادی خود به غم و شادی حضرت و آه و سوز فراق و هجران. آیت‌الله ناصری علیه السلام، امام زمان علیه السلام را در همه امور بر همه چیز به طور واقعی مقدم می‌کردند و در مواقعی مانند شب‌های قدر که گمان استجاب دعا بود، می‌فرمودند: «اول خواسته شما فرج امام زمان علیه السلام باشد.» ایشان حب و بغض‌های خود را بر محور امام زمان علیه السلام تنظیم می‌کردند و یکی از علت‌های علاقه‌مندی به مقام معظم رهبری را این می‌دانستند که ایشان نایب امام زمان علیه السلام است و ایران کشور امام زمان علیه السلام است. (بحرینیان، مصاحبه شخصی، تیر ۱۴۰۲)

ناله‌های ایشان در برخی جلسات مثل شب‌های قدر در فراق امام زمان علیه السلام آشکار بود و ذکر و یاد امام زمان علیه السلام در هر مجلس و انجمن و به هر مناسبت از شاخصه‌های ایشان بود و خلاصه در هرکاری درصدد کسب رضایت حضرت بقیه‌الله‌الاعظم علیه السلام بودند.^۱

نتیجه

بر دستوره‌های عملی و برنامه‌های سلوکی اساتید عرفان و معنویت، قواعد و اصولی حاکم است که از اعتقادات و باورهای آن‌ها نشئت گرفته است. این اصول با اهدافی متناسب می‌باشد که درصدد رسیدن به آن هستند. آگاهی تفصیلی و شناخت این اصول برای متریبان و کسانی

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: مجله اصفهان زیبا، یادنامه آیت‌الله ناصری علیه السلام ۱۴۰۱.



که قصد بهره‌بری از سیره تربیتی این اساتید بزرگ را دارند، موجب بصیرت به راه، انسجام در برنامه‌ها و مانع از انحرافات می‌شود.

در سیره تربیتی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله به‌عنوان استادی حاذق در امور سلوکی نیز این اصول درخور شناسایی و تبیین است، که برخی از آن‌ها تأثیرات بیشتری در تربیت شاگردان داشته است که عبارت‌اند از: اصل تقید به شریعت، اصل تدریج، اصل رعایت توانمندی‌های فردی متربی و خلاصه متربی محوری، اصل استمداد و بهره‌وری از ظرفیت‌ها، پیشران‌ها و سرعت بخش‌های سلوک و بالاخره اصل محوربودن امام زمان علیه‌السلام در برنامه‌ها و سایر امور زندگی. تفصیل هر یک از این اصول در سیره تربیتی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله نیازمند مجالی بیشتر است و پیشنهاد می‌شود که افزون بر این اصول، باقی اصول حاکم، شناسایی و به همراه موارد بیان شده، شرح و تبیین شود.

منابع

* قرآن کریم.

۱. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، ج ۱۱، قم: اشراق و عرفان، ۱۴۰۱ ش.
۲. امینی نژاد، علی، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم: مؤسسه امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۷ ش.
۳. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۱، تهران: مدرسه، ۱۳۸۹ ش.
۴. بهاری همدانی، تذکرة المتقین، تهران: نور فاطمه، ۱۳۶۱ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، عمل عرفانی در پرتو علم و حیانی، قم: اسرا، ۱۳۹۱ ش.
۶. _____، رَحِیقِ مَخْتوم، ج ۳۶، قم: اسرا، ۱۴۰۱ ش.
۷. حسینی زنانی، سید حبیب، سخن دوست، قم: خُلق، ۱۴۰۲ ش.
۸. خمینی، روح‌الله، شرح جنود عقل و جهل، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۲ ش.
۹. شجاعی، محمد، رساله محبت، تهران: سروش، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. _____، مقالات، تهران: سروش، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، کسر اصنام الجاهلیه، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۱ ش.

۱۲. _____، الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية (مقدمه عربي)، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
۱۳. عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. عبودیت، عبدالرسول، درآمدی بر حکمت صدرايي، ج ۳، تهران: سمت، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. فیروزمهر، محمد مهدی، تربیت اخلاقی بانگهای قرآنی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. قمی، شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، قم: اسوه، بی تا.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. مامقانی، عبدالله، مرآة الکمال، قم: دلیل ما، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی، مکاتب اخلاقی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. _____، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۲۱. _____، در جستجوی عرفان اسلامی، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۲۲. ناصری دولت آبادی، محمد علی، رسم بندگی، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱ ش.
۲۳. یزدان پناه، سیدیدالله، مبانی و اصول عرفان نظری، قم: مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۲۴. حسین خانی، هادی، «واکاوی اصل تدریج در تربیت اخلاقی با تأکید بر نظریه آیت الله مصباح علیه السلام»، مجله هاد، ش اول، سال اول، ص ۱۰۵ تا ۱۱۵، ۱۳۹۹ ش.
۲۵. فروزبخش، محمود، یادنامه آیت الله ناصری دولت آبادی، مجله اصفهان زیبا، ص ۴ تا ۱۸۴ (اسفند ۱۴۰۱).

نرم افزارها

۲۶. مرکز تحقیقاتی نور، دانشنامه اخلاق.
۲۷. مرکز تحقیقاتی نور، جامع الاحادیث.

۲۸. مرکز تحقیقاتی نور، مجموعه آثار صدرالدین شیرازی.

سایت‌ها

۲۹. - یزدان پناه، سید یدالله. ۱۴۰۲. سلسله جلسات درس عرفان در وادی عمل، فروشگاه اینترنتی نفعات، <https://store.nafahat-eri.ir/product/>

۳۰. - اعرافی، علیرضا. ۱۳۷۸. سلسله جلسات دروس فقه تربیت آیت‌الله اعرافی، مدرسه فقهت، <http://eshia.ir/Feqh/Archive/Subject/arafi>

مصاحبه‌ها

۳۱. بحرینیان، د، تیر ۱۴۰۲، مصاحبه شخصی.

۳۲. جدیدی، ذ، تیر ۱۴۰۲، مصاحبه شخصی.

۳۳. کمالی، م، تیر ۱۴۰۲، مصاحبه شخصی.

۳۴. مرتضوی، م، تیر ۱۴۰۲، مصاحبه شخصی.

۳۵. موسوی، م، تیر ۱۴۰۲، مصاحبه شخصی.

